

دکتر علی قائمی

## پرورش جرأت و شهامت در کودکان و نوجوانان

نکاتی در پرورش جرأت در کودکان  
و نوجوانان

۱ - آگاهی گام اول هر ابراز جراتی است، تشخیص این که چه چیزی صواب و چه چیزی خطاست نکته‌ای حساس و حیاتی است، انسان برای انجام هر کاری بدلیل و فلسفه‌ای نیاز دارد و باید بداند صواب چیست و خطا چیست؟

برای کودک صواب آن چیزی است که مورد تأیید والدین است و برعکس خطا آن امری است که مورد تأیید نیست. بعدها برای سنین بالاتر میتوان صواب و خطا را

بامری که مورد تأیید یا رد خداست وابسته کرد .

بهرحال منظور آنستکه وقتی جرات از روی آگاهی صورت گیرد به صاحب آن رنگ و صورت ابدی و جاودانگی میدهد همانگونه که ناآگاهی و غفلت ، ارزش و جرات و تهور را کم میکنند .

۲ - رعایت اعتدال : جرات اگر از حد بگذرد برای طفل خطر می آفریند ، اما حد آن چیست ؟ امری است که شرعا "بین دو امر اجرا و ترک وظیفه باشد و در کشورهایی که مکاتب بشر ساخته برآن حکومت میکند ملاک را اجتماعی ذکر میکنند .

۳ - درپرورش جرات ملاک وجدان ، شفقت و مهرورزی باید مورد نظر باشد چون درغیر اینصورت زمینه برای انحراف فراهم می شود . جلوه اش ماجراجویی و ویرانگری - هائی است که در جوامع گوناگون آن را می بینیم .

#### تأثیر نقش ها در ایجاد جرات

در اینجا از نقش متعدد و متنوعی باید نام برد که برخی از آنها بقرار زیر است :

۱ - والدین : دیدیم که نقش شان اصیل و فوق العاده است . اگر والدین باجرات باشند کودکان نیز دلیر و باتهور خواهند بود . و نیز اگر جرات والدین حقیقی و منشاء گرفته از درون باشد همچون طلسم کار

می کنند .

مساله مهم درباره والدین این است که جرات شان باید براساس حقیقت بینی مهربانی و ملاحظه رعایت حقوق ، انسانی و اخلاقی باشد تا کودکان بهمین گونه از آنها سرمشق بگیرند .

اعمال فشار درجرات دادن به کودکان استعمال الفاظ آمرانه و قواعد مجعد نوعی خطای تربیتی است .

والدین در طریق تربیت موظف به ترغیب و تشویق کودک ، به اعمال مورد نظرند و ضمن آن باید از نقاط مثبتش تمجید نماید ، جایزه اش دهند ، بحسابش آورند ، با او مشورت کنند ، بخاطر اشتباه و خطایش جریمه قائل شوند ، سرزنش شدید نکنند ، در تنبیهاش خونسردی خود را حفظ کنند ، آرامش خود را از دست ندهند ، خشونت بکار نبرند ، برای کودکان کمک کار باشند تا بهتر انجام وظیفه کنند ، زمینه های وحشت و اضطراب را از او زایل سازند .

۲ - همسالان : با همه اهمیتی که نقش خانوادگی درپرورش کودکان دارد باید اعتراف کرد که خانواده به تنهایی نمیتواند سازنده اخلاق و روحیه ای باشد مصاحبت دوستان و رفقا هم در سازندگی او تأثیر بسیار دارد ، مخصوصاً "گروه همسن که اخلاق را قالب ریزی می کنند . ساختمان اخلاقی انسان بگونه ای است که در اثر تقلید از دیگران تدریجاً "کامل میشود ، درست

است که دوستان کودک خردسالند ولی تأثیر آنها بسیار است .

۳ - سالمندان و بزرگسالان : معاشرت با افراد بزرگ زمینه روحی فوق العاده‌ای در کودک ایجاد می‌کند سرمشقی که کودک از دیگران می‌گیرد هرگز معدوم نمی‌شود ، تأثیر آن در طول عمر باقی می‌ماند .

هرچند اشخاص بزرگتر و معروفتر طبیعتاً "احترام آنها در دلها بیشتر است و نیز هر قدر پذیرش و ستایش آدمی از کسی بیشتر ، تأثیر گرفتنش از وی افزونتر است .

نشانه‌های انسان باجراآت : درخاتمه لازم است بخشی از نشانه‌های انسان باجراآت را برآن اساس که مورد نظر مذهب باشد باختصار بگوئیم ، تا در سایه آن قادر به ارزیابی و اقدام و عمل گردد .  
انسان باجراآت :

- دارای استقلال فکری و اعتماد بنفس است .

- اراده و تصمیم اندیشیده و مستقل دارد .

- از بخطر افتادن عنوان و مقام وحشت ندارد .

- در برابر انجام وظیفه کوشاست و باستقبال کار پورنج می‌رود .

- اگر تمام عالم را مخالف خود ببیند وقتی که هدف خود را درست بداند مقاومت می‌کند .

- وقایع و واقعیتها را با عینک حق می‌بیند .

- دنبال حق است و در راه آن گام برمی‌دارد و در این راه از تحمل شدائد ابا ندارد .

- در صحنه تنازع یا تعاون بقا خود را مایوس و متزلزل نمی‌بیند .

- در کشاکش زندگی و در مواقع بحران هدف خود را فراموش نمی‌کند .

- در مشکلات و صحنه‌های ناموافق خود را نمی‌بازد .

- دارای کرامت و عفو و دیگر سجایای اخلاقی است .

- عاجزان را سرپرست و درماندگان را یاور است .

- از تمجید و ستایش دیگران و نیز از تعلق گوئیهایشان خرسند نیست .

- دنبال توجه و قبول عامه نیست بلکه رضای خدا و وجدان را می‌طلبد .

- در راه وظیفه گام برمی‌دارد نه راه رضای هوسها و .....

انسان باجراآت را در کجا میتوان شناخت

در بدبختیها و گرفتاریها ، و گرنه هر کس در خانه خود و آشیانه خود متهور و دلورا است .

طفلی و نوجوانی که در موارد خاص بتواند تسلط بر نفس را نشان دهد ، خشمش

## دورنمای آینده

درعصرما هیچ حصار و حفاظی برای خانواده‌ها نیست، برنامه‌هدفی اندیشیده و اصل در تربیت وجود ندارد، قدرت رهبری خانواده ضعیف و کودکان اغلب لحام گسیخته‌اند طرزفکرها ارتجاعی و روشها همراه و توأم با محافظه‌کاری است. توانائی‌ها و جرات را اغلب در درون خود شخص مدفون است و خانواده‌ها بجای تشجیع فرزندان بکار خوب، آنها را خمود و محافظه‌کار باری‌آورند.

بنظر میرسد برای مردم، متملق بودن آسانتر از مناعت طبع داشتن است و چاپلوسی برایشان درآمد بیشتری ایجاد می‌کند. دربرابراوهام بیشتر تسلیم‌اند تا دربرابر حق.

و براین اساس گمان نمی‌رود، درآینده افرادی دلیر و باجرات داشته‌باشیم و بعید است فرزندان کامل و رسا و آینده‌ای شاد و مبتنی برحق گوئی و حق اندیشی داشته‌باشیم، مگر آن که تحول و انقلابی در خانواده‌ها پدید آید و پدران و مادران بیشتر برسر عقل آیند و هدف‌دار گردند.

والسلام

را کنترل کند، بر احساساتش فائق آید با جرات است.

اگر درمواقع بحرانی برای انجام کرده‌هایش، دو دلیل نداشته‌باشد: "یکی دلیلی که او را قانع کند و آن در اندرون سینه‌اش مدفون باشد و دیگری دلیلی که دیگران را قانع کند و آن را ذکر نماید" باجرات است.

کودک باجرات را درجائی میتوان شناخت که در آن پای تنبیه و کیفری باشد و او در آنجا برای نجات خویش دیگران را مقصر معرفی نمکند.

## جامعه باجرات

جامعه‌ای است که بزرگ بین، لافزن، گزافه‌گو نباشد، تصورات و خیالات را واقعیت معرفی نکند، جرات داشته‌باشد که امتحان پس دهد درعالم خیال زندگی واقع بین و هدف‌گرا باشد، مستقل زندگی کند نه انکالی، با زبان خود سخن گوید نه غیر، بامغز خود بیندیشد نه دیگران، ضعف و عیبها را برملا کند، برای جبران آن بکوشد بروی متملقان و چاپلوسان خاک‌بریزد باهرچه که رنگ و نام مفاسد دارد بجنگد و .....

ارزیابی: باید اکثریت را دیدنه گروهی معدود را وگرنه درهر اجتماعی اقلیمی در طریق هدف خواهند بود.